



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

در وظائف تربیتی خانواده و پدر و مادر همان‌طور که ملاحظه کردید محورهایی پشت سر هم بحث شد. تمهیدات تربیتی، تعلیم، تربیت جسمانی، اعتقادی، عبادی، فقهی و حکمی در غیر عبادات و تربیت عاطفی و روحی و... مورد بحث واقع شد.

تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی یک عنوانی است که مکرر در دستورات و توصیه‌ها که از قرآن و روایات و ائمه علیهم‌السلام نسبت به فرزندان‌شان نقل می‌شود یک بخش بزرگی توصیه‌های اخلاقی است. توصیه‌هایی که حضرت لقمان و ائمه و پیامبران دیگر داشتند بخش موسعی در حوزه تربیت اخلاقی است، آن‌هم کم نیست؛ منتهی چون در مناسبت‌های مختلف این ادله و آیات و روایاتش بررسی شد، اگر بخواهیم وارد بشویم موجب تکرار و ممل است، از آن جهت است که آن مورد بحث قرار نمی‌گیرد. امکان دارد مجموعه ادله‌ای که در ترغیب‌ها و توصیه‌ها بوده (چه ادله عام و چه ادله خاص) ذکر بشود.

تربیت جنسی

یک بخش هم در تربیت جنسی هست، مواظبت‌ها و مراقبت‌های جنسی که این هم بعدها مورد بحث واقع می‌شود

تربیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی

در تربیت اقتصادی، شغلی و اجتماعی و سیاسی یک ساحت‌های متعدد از تربیت متصور است که آنجاها دلیل خاص به آن شکل نیست. در آن حوزه‌هایی که نام برده شد علاوه بر ادله عامه، ادله خاصه‌ای داشت. در تمهیدات تربیتی، تعلیم، تربیت جسمانی، اعتقادی، عبادی، احکام معاملی، عاطفی و تربیت اخلاقی و یک مقدار هم بحث جنسی که بعدها مورد بحث واقع می‌شود، در این نه محور، بحث بود. روایات داشت، بحث‌های مهمی داشت و ادله



خاصه وجود داشت؛ اما علاوه بر ادله و قواعد عامه که حدود نه یا ده محور می‌شود که یکی دو تا مورد بحث واقع نشد که به ادله سابق احاله داده می‌شود؛ ولی در مقام نوشتن دوستان باید رویش کار بکنند؛ اما در حوزه‌هایی مثل تربیت اقتصادی و شغلی و امثال این چیز خاصی به آن شکل وجود ندارد؛ ولی عناوین و قواعد عامه وجود دارد که آن‌ها در مقام بحث بسیار مهم است و در واقع اصول اساسی است که در گذر زمان و تغییر و تحولات، همه‌جا راهنمای تربیت و برنامه‌های تربیتی خانواده است این عناوین عامه مکرر بحث شد الان هم با توجه به مجموعه بحث‌هایی که بود هم جمع‌بندی خواهد شد و نکاتی هم افزوده خواهد شد. پس بنابراین بحثی که الان آورده می‌شود، به یک معنا جزء مقدمات بحث قرار داد. بنابراین این عناوین و قواعد در تربیت خانواده است. بعضی کمی با دیگر آن‌هم مشارکت دارد ولی عمدتاً قواعد عامه در فضای تربیت خانوادگی است. که این‌ها راهنماهای ما هستند برای این‌که از دل آن‌ها دستورالعمل در آورده شود، به تناسب زمان و اوضاع و احوال هر عصری ممکن است نتایج متفاوتی بدهد. پس تا اینجا یک جمع‌بندی وجود داشت. حدود نه یا ده ساحت تربیت در خانواده که یکی باقی مانده و یکی هم به بحث‌های قبلی حواله داده شد و در واقع حدود نه یا ده تا ساحت تربیت خانوادگی است که مورد بحث واقع شد که نیاز به بحث خاص ندارد. البته یکی جدا بحث می‌شود. این یک بحث است که بحث‌های محورهای خاص و ساحت‌های خاص تربیت است که با نگاه فقهی دلیل خاص دارد و احکام این مشخص شد این‌که الان مورد بحث واقع می‌شود یک بحث کلی‌تر است که می‌تواند نسبت به ساحت‌های دیگری هم که دلیل خاص ندارد، تعیین تکلیف بکند و هم نسبت به ساحت‌هایی که بحث شد این‌ها شمول دارد و هم نسبت به ساحت‌هایی که آورده نشد. این عناوین فهرست‌وار آورده می‌شود که بعضی‌ها قبلاً بحث شد، ارجاع داده می‌شود و بعضی‌ها هم مورد بحث واقع می‌شود.

۱) عنوان «وقایة عن النار»

سه عنوان مهم در آیات شریفه هست. یکی عنوان وقایة عن النار بود این یک وظیفه هست که می‌تواند در همه ساحت‌ها شمول داشته باشد. وقتی می‌خواهد شغلش را هم تعیین بکند همان‌جا در تربیت شغلی هم باید او را به سمت شغلی هدایت بکند که از آتش و عذاب و گناه مصون بماند. در تربیت اجتماعی هم این‌طور است. در تربیت سیاسی هم این‌طور است. باید او را طوری تربیت بکند که تولی به ولایت الهی داشته باشد که در این قسمت‌ها دلیل



خاص نیست. ولی این آیه خیلی معنا دارد: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»^۱ که از مهم‌ترین قواعد تربیت خانوادگی است که هم ساحت‌هایی را که قبلاً بحث شد و ادله خاصه هم بود را می‌گیرد و هم خیلی از قلمروها و ساحت‌های دیگری که دلیل خاص نبود. مثل تعیین شغل و حرفه و تربیت اجتماعی و سیاسی در همه این‌ها هر چه که باید انجام بدهد که او از گناه مصون بماند و به ورطه گناه و عصیان نیفتد این اقدامات را باید انجام بدهد. لازم نیست در تربیت شغلی یا جای دیگر دلیل خاص هم داشته باشد یا نداشته باشد بلکه همین آیه تعیین می‌کند. آنجایی هم که دلیل خاص هست، موجب تأکد بود که این‌ها قواعد و عناوین عامه هستند.

۲) عنوان «تعامل به معروف»

دوم عنوانی که قرآنی هم هست، همان عنوان تعامل به معروف است که ائتمار به معروف می‌گویند. این هم یک بحث بود که جزئیاتش قبلاً مورد بحث واقع شد که وظیفه او نوعی تعامل به معروف است یعنی اهتمام به رفتار خوب با او است.

۳) عنوان «عده الاضرار»

سوم عده الاضرار است «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلِدِهِ»^۲ بود این سه عنوان و قاعده کلیدی است که در قرآن است. از این به بعد عناوینی که از روایات استفاده می‌شود، آورده خواهد شد.

۴) عنوان «تأدیب»

چهارم عنوان تأدیب بود که الی ماشاءالله روایات بود که تعدادی معتبر بود و تعدادی مؤید بود که در دو سال اخیر دو سه بار این روایات مورد بحث واقع شد که به عنوان وظیفه اساسی و عمومی این هم شمول دارد مثل وقایه و ائتمار و عدم اضرار که ساحت‌های مختلف تربیت را می‌گرفت. تأدیب هم ساحت‌های مختلف را می‌گیرد که مفهوم عرفی دارد که آنچه به مؤدب بودن او برگردد که یک مقدار این ادب، هم ادب شرعی را می‌گیرد و هم ادب عرفی را

۱ - تحریم ۶/

۲ - بقره ۲۳۳/



می‌گیرد. ادب شرعی که در حوزه تربیت اعتقادی و عبادی و... شمول دارد. ادب عرفی ساحت‌های زیادی را می‌گیرد مانند ساحت‌های اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و سیاسی و امثال این‌ها را شامل می‌شود، باز هم شمول بالایی دارد این هم عنوان چهارم است که بیشتر روایی است.

۵) عنوان «اعانه علی طاعة الله»

عنوان پنجم اعانه علی طاعة الله است که در رساله حقوق بود «والمَعُونَةُ عَلَي طَاعَتِهِ»^۲ این که کمکش بکند که اطاعت خدا بکند این هم یک دلیل بود که الزام هم در آن بود سند رساله حقوق با بیانی که داشت، معتبر است. این یک کلید بزرگ و یک عنوان و قاعده عمومی است که شمول دارد و چیز خاصی در یک حوزه نیست. علی طاعته در تربیت اعتقادی، اجتماعی، سیاسی و شغلی است. هر چه که ممهّد برای اطاعت الله باشد این هم عنوان پنجم است که بیشتر عنوان روایی است.

۶) عنوان «برّ و احسان»

عنوان ششم عنوان برّ و احسان است که در روایاتی این امر وارد شده و باز این عنوان بر یک عنوان، قاعده عامه است که اختصاص به یک حوزه ویژه و قلمرو خاصی ندارد که در این زمینه هم قبلاً به مناسبتی روایاتش را ضمن بحث‌های قبلی بیان شد؛ و در باب هشتادوهشت، دو روایت در این زمینه بود که البته این دو روایت باب هشتادوهشت ابواب احکام اولاد روایت دوم که فرمود «برّ ولدک» که روایت مرفوعه بود و یکی هم روایت ششم بود که مرسله جازمه مرحوم صدوق است که «بر رجل بولده بر بوالده». که این عنوان روایات معتبر ندارد گر چه از جاهای دیگر می‌شود استفاده کرد الزام هم از آن نمی‌شود استفاده کرد این هم عنوان ششم بود.

۷) عنوان «رحم و ترحم»

عنوان هفتمی که بحث شد عنوان رحم و ترحم بود که در باب هشتادوهشت و هشتادونه بود در باب هشتادوهشت روایت سوم بود که قبلاً بیان شد. روایت چهارم هم بود که عنوان رحم در آن بود. هر دو روایت از نظر سند خالی از اشکال نبود و روایت چهارم باب هشتادونه که آن هم سندش معتبر نبود؛ منتهی این هم برّ و رحم است

^۲ - مکاتیب الأئمة عليهم السلام؛ ج ۳؛ ص ۱۹۲

که این دو الزامی نیست. به خصوص این دو عنوان هم در حدی که در این روایات فحص شد، سند معتبر نداشت ولی اگر مجموعه روایاتی که در بر و رحم بود جمع بشود، شش هفت تا روایت می شود و چون مطابق قواعد است و حکم هم الزامی نیست به عنوان یک امر می توان گفت هرگونه بر و رحمی استحباب دارد، استحباب مؤکد هم دارد حتی اگر هیچ روایت دیگری هم نبود، کافی است. این هم عنوان هفتم که عنوان رحم بود.

۸) عنوان «الاعانه علی بر والدیه»

عنوان هشتم «الاعانه علی بر والدیه» هر چیزی که به او کمک بکند که او با پدر و مادر به خوبی رفتار بکند. این عنوان ممکن است به آن عموم و شمول قبلی ها نباشد؛ اما درعین حال نسبتاً از عناوین عامه به حساب می آید. این روایت در باب هشتادوشش، حدیث چهار آمده است عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: رَحِمَ اللَّهُ وَالِدَيْنِ أَعَانَا وَلَدَهُمَا عَلَيَّ بِرَهُمَا»^۴. این یک روایتی است که سندش درست است بنا بر آنچه در باب نوفلی و سکونی گفته شد. در مجموع و در نهایت بعد از بحث های فراوانی که در باب نوفلی و سکونی بود گفته شد که این سند مورد قبول ما است که این روایت چهارم است. روایت هشتم هم عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رَبَاطٍ، عَنْ يُونُسَ بْنِ رَبَاطٍ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَيَّ بِرَهُ».

منتهی اینجا یک ذیلی دارد که سؤال می کند که قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ يَعِينُهُ عَلَيَّ بِرَهُ؟ چطور پدر می تواند کمک بکند که بچه به او خوبی بکند؟

قَالَ: «يَقْبَلُ مَيْسُورَهُ، وَ يَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ، وَ لَا يَرْهَقُهُ، وَ لَا يَخْرُقُ بِهِ، فَلَيْسَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَنْ يَصِيرَ فِي حَدٍّ مِنْ حُدُودِ الْكُفْرِ إِلَّا أَنْ يَدْخُلَ فِي عُقُوقٍ أَوْ قَطِيعَةٍ رَحِمَ»^۵.

حضرت می فرماید: راهش این است که با خوبی با او رفتار بکند و رفتارهای خوب داشته باشد و خوب تربیت بکند او هم با او خوب رفتار می کند. این روایت هم کاملاً معتبره است. جالب این است که بحث «ولده علی بره» در دو روایت آمده که هر دو معتبر است. در بحار الانوار جلد صد و چهار، ابواب فضل اولاد هم آمده است که آنجا هم

^۴ - الكافي (ط - دارالحدیث)؛ ج ۱۱؛ ص ۴۴۵.

^۵ - وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص: ۴۸۱.



روایاتی به این مضمون نقل شده است. این دو روایت در وسائل، باب هشتادوشش، کتاب نکاح، ابواب احکام اولاد هم آمده که هر دو معتبر است. که دو سه روایت آنجا نقل کرده است.

از عدة الداعی هم همین جمله را نقل کرده که «وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرِّهِ وَهُوَ أَنْ يَعْفُوَ عَنْ سَيِّئَتِهِ وَيَدْعُوَ لَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ»^۶

می‌گوید چگونه می‌تواند این کار را بکند؟ می‌فرماید: «أَنْ يَعْفُوَ عَنْ سَيِّئَتِهِ وَيَدْعُوَ لَهُ»^۷ راهش این است که او را ببخشد و دعا بکند. عامه هم این را نقل کرده‌اند که یک عنوان بسیار مهمی است که معتبر است که هم دو سه روایت معتبر دارد و هم تعدد دارد. بیش از آن در روایات عامه و خاصه هست که شاید شش هفت روایت بشود که حضرت فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرِّهِ»^۸. این هم یک مجموعه روایات است که خودش عنوان هشتم می‌شود. این عنوان چون قبلاً نبوده کمی توضیح داده می‌شود. این روایات به لحاظ سند هم بینشان معتبر هست و هم متعدده و هم عامه و خاصه این را نقل کرده‌اند این عنوان هشتم است. در این عنوان هشتم و قاعده کلی که اینجا ارائه شده، چند نکته بیان می‌شود:

نکته اول: استحباب مؤکد «الاعانه علی برّ والدیه»

یک نکته این است که حکم این‌ها «الاعانه علی برّ والدیه» حکم الزامی نیست. ظاهرش استحباب مؤکد است مگر این‌که عناوینی بیاید؛ ولی استحبابش، استحباب مؤکد است.

نکته دوم: شمول حکم استحباب مؤکد نسبت به پدر و مادر

نکته دوم شمول این حکم نسبت به پدر و مادر است که هر دو را می‌گیرد. برای این‌که در بعضی از روایات معتبر دارد «رحم الله والدیه» آن‌هم که والدین ندارد، قابل الغاء خصوصیت و شمول است. ولی اینجا والدین آمده است که پدر و مادر را می‌گوید. طبعاً آن‌ها را هم با الغاء خصوصیت می‌گیرد.

۶ - بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۱۰۱؛ ص ۹۸

۷ - همان

۸ - همان



نکته سوم: ولد شامل ولد مذکر و مؤنث است.

نکته سوم هم این که اینجا ولد می‌گوید، هم ولد مذکر و هم ولد مؤنث را می‌گیرد و با واسطه هم وقتی او متکفل کارشان باشد، چون همان حقوق وجود دارد آن‌ها را هم می‌گیرد.

نکته چهارم: اطلاق «الاعانه علی برّ والدیه»

نکته چهارم هم این است که این‌ها «الاعانه علی برّ والدیه» مطلقاً دارد که در بعضی از روایات مصادیقی ذکر شده و الاصل عنوان همان «اعانه علی برّ» است. اعانه بر برّ یعنی او به او کمک بکند که او با او خوب رفتار بکند. عنوان کلی‌اش اعانه است و این اعانه که جزء عناوین عامه آورده شده است در ساحت‌های مختلف تربیتی می‌آید. به خاطر نکته چهارم است که گفته می‌شود عنوان اینجا اعانه است و این عنوان شامل انواع تربیت‌ها و ساحت‌های مختلف تربیتی می‌شود. یک راهش این است که عواطف خوب نسبت به او ابراز بکند و رابطه خوب با او برقرار کرده که این موجب می‌شود که او هم متقابلاً با او خوب رفتار بکند ولی همیشه به این حوزه اخلاقی و عاطفی نیست؛ گاهی هم به این است که تربیت دینی او را تقویت بکند یعنی همان احکام و شرایع دین را به او یاد بدهد. چون همین‌ها هم داخل آن قرار دارد. گاهی یک عنوان، رجحان مؤکد می‌آورد استحباب که با وجوب جمع بشود همان وجوب را بالاتر می‌برد. استحباب مندک در وجوب می‌شود و ثواب آن را تقویت می‌کند یا تربیت اقتصادی او این‌که او را در شغل مناسبی قرار بدهد که مورد رضایت او باشد و مناسب او باشد درحالی‌که اگر او را از نظر تربیت علمی مثلاً مدرسه نبرد از اول او عقده‌ای بار می‌آید که مقابل پدر و مادر می‌ایستد آنچه متعارف است این است که او را مدرسه ببرد تا او حرفه‌ای یاد بگیرد از نظر اجتماعی خوب تربیت کند هر چیزی که اگر او درست انجام ندهد در او نوعی عقده و بدبینی ایجاد می‌شود و موجب می‌شود او به سمت آب شدن برود و این‌که با پدر و مادر خوب رفتار نکند و لذا در نکته چهارم گفته می‌شود که «اعانه ولد هما علی برهما» یک مصداق واضحی دارد یعنی خوب با او تعامل بکند و او هم خوب جواب بدهد ولی این را نباید فقط به این دید؛ ممکن است الآن تعامل فوری عاطفی نباشد ولی وقتی برنامه‌ریزی برای آموزش او و اخلاق او و آینده او ندارد و کمکش نمی‌کند این موجب می‌شود او جلوی پدر بایستد این خیلی مصداق دارد بنابراین نکته چهارم این است که اعانه بچه به این‌که با او خوب رفتار بکند زمینه بسازد برای این‌که او هم با او خوب باشد بخشی از این زمینه‌سازی عواطف رویاروی و فوری و آنی و



امثال این‌هاست یک بخشی هم توجه به حیطه‌های دیگر تربیت او است که او عقده‌ای و سرخورده بار نیاید که همین منشأ این بشود که بعدها با پدر و مادر مقابله بکند. پس نکته چهارم این است که اعانه دامنه وسیعی دارد این‌طور نیست که در یک حوزه خاصی از تربیت باشد بلکه از قواعد عامه تربیت خانوادگی است.

نکته پنجم: وجود «اعانه علی البر» در قرآن کریم

نکته پنجم این است که این نکته هم طبق قواعد هست، این‌که اگر این روایات نبود، اعانه علی البر در قرآن کریم هست که سال قبل مفصل در مکاسب محرمه بحث شد که از این آیه شریفه دو قاعده استفاده می‌شود: یکی حرمت اعانه بر اثم و عدوان آن‌طور که مورد پذیرش ما بود و دوم حرمت تعاون که دو قاعده از آن استفاده می‌شود و دو قاعده از جمله اول که «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»^۹ تعاون گفت یعنی هم اعانه را می‌گیرد و هم تعاون مشارکت را می‌گیرد. یک مصداقش هم همین اعانه یعنی دخالت در مقدمات برّ و کمک بر این‌که برّ و تقوی محقق بشود. دخالت در مقدمات این‌که خوبی به کسی برسد کسی کار خوبی انجام بدهد اینجا هم درواقع یک مصداقی از همین آیه هست؛ منتهی دلیل خاصی که اینجا آمده موجب تحقق این استحباب شده است. پس این هماهنگی با یک قاعده عامه‌ای است که در همه بحث‌های تربیتی می‌آید «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ»^{۱۰} در همه مباحث تربیتی بلکه فراتر از آن یک قاعده فقهی است؛ اما در بحث‌های تربیت خانوادگی دلیل خاص هم دارد اعانه هم که گفته می‌شود یعنی این‌که مقدماتی فراهم بکند که او کار خوب انجام بدهد شما هم در کار خوب او سهیم می‌شوید برّ به پدر و مادر از مهم‌ترین خوبی‌ها است. اگر من طوری زمینه بسازم که او به این تکلیف عمل بکند این اعانه برّ می‌شود همان قاعده‌ای است که در آیه شریفه است؛ منتهی تأکدش از این ادله متعددی که در این مسئله وارد شده می‌رسد نکته تربیتی‌اش هم خیلی بالا است؛ و اینجا آن‌قدر روایت و تأکیدات دارد که می‌گوید کلید رفتار او دست تو است یعنی اگر تو درست عمل بکنی او هم با تو به خوبی رفتار می‌کند. بنابراین اعانه هم تأکیدی بر همان قاعده عامه در فضای تربیت خانوادگی است. این هم نکته پنجم بود.

۹- مائده ۲/

۱۰- مائده ۲/



نکته ششم: حکم الزامی «الاعانه علی برّ والدیه»

نکته ششم این است که این حکم «الاعانه علی برّ والدیه» در حدی که در این روایات هست یا مشمول مطلق آن آیه هست، حکم الزامی نیست. بلکه استحباب مؤکد است؛ البته تأکد بالایی دارد؛ اما با یک عناوین دیگری ممکن است حکم الزامی هم پیدا بشود آنجایی که بد رفتاری او موجب این بشود که او هم گناه بکند و عاق بشود، این اعانه بر اثم می‌شود نه این‌که خوب عمل نکند بلکه با فرزندش بد عمل بکند. اگر رفتار بد او با فرزند موجب این می‌شود که فرزند در برابر پدر و مادر معصیتی مرتکب بشود یعنی اذیت و آزار بکند، اینجا خود پدر و مادر هم از باب اعانه بر اثم، گناه کرده‌اند یا این‌که دلیل مضاره می‌گوید به او ضرر زده است. اگر گفته شود که این نوع ضررها در آن دلیل هست. بنابراین گاهی این اقدام او در حدی است که اعانه بر اثم می‌شود و حرام می‌شود؛ و گاهی باید کاری بکند که اگر این کار را انجام ندهد موجب می‌شود که او با پدر و مادرش بد بشود. این هم از باب وقایه ممکن است گفته شود؛ واجب است، انجام بدهد؛ و لذا در حال طبیعی کمک به این‌که او با پدر و مادر خوب رفتار بکند، امر مستحب است. ولی اقداماتی که موجب می‌شود که او بد رفتار بکند این از باب اعانه، حرام است یا اقداماتی که موجب می‌شود که او از گناه باز بماند و به تکلیف‌های الزامی‌اش عمل بکند با این عناوین البته گاهی از باب وقایه یا مضاره و از باب اعانه و امثال این‌ها واجب می‌شود.

پرسش و پاسخ

پرسش: چرا گاهی از باب وقایه یا مضاره و از باب اعانه و امثال این‌ها واجب می‌شود؟
پاسخ: یک وقتی است که الآن اگر این توجهات را نکنم، معلوم نیست که او گناهی را در ارتباط با من مرتکب بشود می‌دانم گناه مرتکب نمی‌شود؛ ولی اگر خوب عمل بکنم خیلی بهتر عمل می‌کند و ثواب‌های بالایی را انجام می‌دهد آنچه روایات می‌گوید کف قصه است؛ یعنی کمک بکند به این‌که او هم با او خوب رفتار بکند اگر اقدامی بکند که بد رفتار بکند، اعانه بر اثم است یا اگر این اقدام را انجام ندهد او در گناه قرار می‌گیرد، وقایه و مضاره می‌گوید باید این اقدام را انجام بدهی و لذا این کف مسئله را به‌عنوان امر تربیتی و اصل و قاعده کلی بیان بکند؛ اما می‌تواند عناوینی مثل اعانه بر اثم و وقایه و مضاره اقداماتی را بگوید تو باید انجام بدهی، برای اینکه پژواک او پژواک درستی باشد این هم نکته ششمی است که اینجا هست البته این از باب عمل و عکس‌العمل هم هست.



نکته هفتم: اشاره به عمل و عکس‌العمل

نکته هفتم این‌که این روایت در واقع به عمل و عکس‌العمل در روابط بشری توجه دارد. این بحث فقهی نیست، بلکه بحث توصیفی و تحلیلی است. این روایت شریفه به آن عمل و عکس‌العمل در روابط بشری اشاره می‌کند و این هم یک نکته که می‌شود از لحاظ روان‌شناختی و بحث‌های غیر فقهی می‌شود روی آن صحبت کرد. ولی سرنخی را که می‌شود بیان کرد این‌که عمل و عکس‌العمل را در واقع در یک فضای کلان‌تر و کلی‌تر در فقه و... می‌شود جایی برایش باز کرد.

نکته هشتم: استفاده اعانه بر مکروه از این روایت

نکته هشتم این‌که آیا می‌شود گفت آن طرفش هم یک کراهتی وجود دارد یعنی کاری بکند که فرزند با او رفتار مناسبی نداشته باشد نه در حد حرمت رفتار مناسب ندارد بلکه کارهای نامناسبی که در حد حرمت نیست انجام می‌دهد آیا می‌شود گفت چنان کاری کراهت دارد؟ از ادله چیزی استفاده نمی‌شود مگر از باب اعانه بر مکروه که قاعده عامی است و بعید نیست که به آن‌هم قائل شد که قبلاً در مورد آن مطالبی بیان شد؛ ولی دلیل خاصی برای آن طرفش نیست. اگر در حدی است که کار او موجب می‌شود که او کار حرام انجام بدهد اعانه بر اثم می‌شود و اگر موجب می‌شود فرزند در روابطش با پدر و مادر کار مکروه انجام بدهد کما این‌که اقداماتی که پدر انجام می‌دهد برای این‌که فرزند کار خوب یا بد در ارتباط با دیگران انجام بدهد آن‌هم داخل در این روایت نیست. ولی طبق قواعد عامه، هر کاری که پدر انجام بدهد که بچه در روابط با دیگران خوب باشد، از باب قاعده اعانه بر بر یا از باب «وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَ مِنْ سَنَ سَنَةٍ حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ عَمَلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ»^{۱۱} پدر هم در آن سهمیم است و اثر دارد که در بحث قبل بیان شد. این‌ها قواعد عمومی است که آن‌ها را در روایت افاده می‌کند.

پرسش و پاسخ

پرسش:

پاسخ: اگر غیر مستقیم به او برسد همین‌طور است که برهما مستقیم یا غیر مستقیم هر دو را می‌گیرد.

۱۱ - الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۵؛ ص ۹



نکته نهم: آیا این راه‌های موجود در روایات، حصری است؟

نکته نهم این است که در دو سه روایت از این روایات فقط آمده «رَحِمَ اللَّهُ وَالِدَيْنِ أَعَانَا وَلَدَهُمَا عَلَيَّ بِرَّهْمَا»^{۱۲} اما در دو روایت حداقل ادامه‌ای دارد یکی همین روایت معتبره هشتم است که آنجا سؤال می‌کند که «قُلْتُ كَيْفَ يُعِينُهُ عَلَيَّ بِرَّهُ» سؤال می‌کند این که می‌گوید: اعانه بر بر خود او بکند چگونه است؟ حضرت می‌فرماید: عذرش را بپذیرد و سخت نگیرد و ... این روایت هشت اینجاست و یکی هم در جلد صد و یک بحار در همان باب از عده الداعی نقل کرده است. روایت این است که «وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَيَّ بِرَّهُ»^{۱۳} آخرش این است که «وَهُوَ أَنْ يَعْفُوَ عَن سَيِّئَتِهِ وَيَدْعُوَ لَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ»^{۱۴} روایت هفتاد باب فضل اولاد است. در این دو روایت حضرت راه‌هایی را معین کرده است. آیا این راه‌ها حصری است؟ علی‌الظاهر نه. بلکه سؤال می‌کند، چگونه می‌تواند اعانه بر بر بکند؟ حضرت در یک روایت معتبر سه، چهار راه نشان می‌دهد. در آنجا چیزهای دیگری نشان می‌دهد و بیان حصری در این نیست. این‌ها در حدی نیست که بتواند عنوان اعانه را مقید بکند بلکه تطبیق و بیان مصداق است. «اعانه علی بر الولد بوالدیه» چطور او کمک بکند و زمینه‌سازی بکند برای اینکه عمل متقابل خوب برگردد حضرت می‌فرماید: این‌طور و آن‌طور. هیچ‌کدام ادات حصری نیست که فقط این است. می‌گوید: «كَيْفَ يُعِينُهُ عَلَيَّ بِرَّهُ؟»^{۱۵} می‌گوید این‌طور اعانه بکند، ولی نمی‌گوید فقط این راهش است، حصری در این نیست. لسانش هم مثبتین است. آن می‌گوید: این‌طور باشد و این هم می‌گوید: این کارها را انجام بدهد. اطلاق اعانه و عدم وجود مقید است؛ و لذاست که گفته می‌شود، شمول دارد و اختصاص به رفتارهای ویژه ندارد و همه آن‌ها استحباب مؤکد دارد، بعدی‌ها روش هستند. یکی دو بار دیگر بحث می‌شود. دعایی که حضرت بکند برای یک گروهی و طایفه‌ای یعنی «رحم الله» رحمت خاصه هست نه رحمت عامه. رحمت خاصه که شد مسابق با این است که فضل و کمالی است؛ البته در همین «رحم الله» در واجبات هم استعمال می‌شود؛ ولی از خود این، بیش از رجحان استفاده نمی‌شود کرد.

^{۱۲} - الکافی (ط - دارالحدیث)؛ ج ۱۱؛ ص ۴۴۵

^{۱۳} - بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۱۰۱؛ ص ۹۸

^{۱۴} - بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۱۰۱؛ ص ۹۸

^{۱۵} - الکافی (ط - دارالحدیث)؛ ج ۱۱؛ ص ۴۴۵



استعمالش در آن‌ها جایز است؛ ولی حداقلش همان رجحان است. بیش از آن نمی‌شود استفاده کرد. اتفاقاً این نکته خوبی است.

نکته دهم: آیا «اعانه و لدهما علی برهما» نیاز به قصد قربت دارد؟

نکته دهم که ایشان اشاره می‌کنند آیا این والدین که «أَعَانَا وَلَدَهُمَا عَلَيَّ بِرَّهَمَا»^{۱۶} این عنوان قصدی است یعنی ثواب متوقف بر این است که او قصد بکند که او کار خوب را انجام بدهد و قصد هم این‌طور است که او کار ثواب را انجام بدهد نه این‌که منافع خودش را ببیند و نه می‌خواهد کار خوب انجام بدهد؟ در این‌ها قصد شرط است یا این‌که عنوان قصدی نیست، همین‌که این کار را کرد نتیجه می‌دهد؟ ظاهراً عنوان قصدی نیست. اگر کسی کار خوب انجام بدهد که آن نتیجه را دارد، در ثوابش شریک است.

نکته یازدهم: اعانه بر برّ ولد مصداق کدام قاعده است؟

نکته یازدهم این است که گفته شد: این (اعانه بر برّ ولد) مصداقی از قاعده «تَعَاوَنُوا عَلَيَّ الْبِرِّ وَ التَّقْوَى»^{۱۷} است یا مصداقی از آن قاعده «مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً»^{۱۸} هم هست. برای این‌که روایات معتبری که می‌گفت به عنوان قاعده فقهی هست، دو قاعده فقهی است. هر کس کاری بکند که دیگران هم کار او را ادامه بدهند، بعید نیست که گفته شود این مصداقی از او هم می‌شود؛ یعنی خوبی که او انجام می‌دهد یاد می‌گیرد و او هم خوبی انجام می‌دهد خوبی را از او الگو می‌گیرد؛ یعنی الگو دادن به دیگران و الهام بخشی کار خوب یا بد موجب می‌شود، انسان در ثواب یا عقاب آن‌ها سهیم باشد. علاوه بر عنوان اعانه، این هم یک عنوان ویژه‌ای است. این قاعده است که در بحث قبلی هم این قاعده بیان شد؛ و قاعده مهم فقهی است که فقها خیلی بحث نکرده‌اند که ما مکرراً در مباحثمان به آن اشاره کردیم ان‌شاءالله بحث جدایی انجام بدهیم و جمع بکنیم و به عنوان قاعده سامان داده بشود. این هم نکاتی که در عنوان هشتم یا نهم بود؛ یعنی اگر برّ و رحم را جدا بگیریم عنوان نهم بود.

^{۱۶} - الکافی (ط - دارالحدیث)؛ ج ۱۱؛ ص ۴۴۵

^{۱۷} - مائده / ۲

^{۱۸} - الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۵؛ ص ۹